ناگفتنی‌های اسطوره‌ای که مرزها را درمی‌نوردد

او بر قلب‌ها فرمان می‌راند

شروین طاهری: در میان بسیار گفته‌های این طرف و آن طرف در وصف مردی که ماه‌هاست تیتر یک قلب‌های ما و نگاه آنها شده، ناگفته‌هایی می‌درخشد. به درخشش و رازآمیزی چشم‌هایش که مثل دیگر ناگفتنی‌هایش انگار دون شأن خود می‌دانند از حقیقت به عبارت درآیند و هبوط کنند و خلاصه گفته شوند. برای همین گفتن آنها یعنی همان کاری که این سطور مرتکب می‌شود، چیزی جز رژه واژه‌ها از برابر حقایق عالی‌مقام نیست که صرفا به جهت خودنمایی رژه‌روندگان است. حتی شاید این مشق ناشیانه در جایی حقیقت را مکدر کند اما چه کنیم که ما مردمان به دنبال قهرمان می‌گردیم تا دوره‌اش کنیم و کاستی‌های‌مان را با ستایش از او جبران کنیم.

قاسم سلیمانی آن‌طور که بی‌بی‌سی کنایه می‌زند ستاره‌ای تازه سر برآورده نیست و اسطوره‌ای است برای تمام فصول دفاع و مقاومت. در همین مدت کوتاهی که با هدفی مقدس از گمنامی خودخواسته در آمده، دامنه محبوبیتش از سطح ملی هم فراتر رفته و فراملی شده به‌طوری که شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور مثل سیدجمال‌الدین اسدآبادی که مصری‌ها و افغان‌ها مصادره‌اش کردند، همسایگان، اسطوره سلیمانی را هم از چنگ‌مان درآورند. اگر در ایران سینمایی‌ها سیمرغ نثار یل کرمانی می‌کنند و برخی ادبا دوباره یادآور می‌شوند که در شاهنامه فردوسی، رستم دستان در اصل اهل دیار کرمان بوده است، در آن سوی مرزها هم چه شعرها و ترانه‌ها که در وصف منجی عراق و شام نسروده‌اند و چه سر و دستی که در شبکه‌های اجتماعی برایش نمی‌شکنند.

آوازه اخیر حاج‌قاسم ما مردم در جست‌وجوی قهرمان را که حالا به شهروندی دنیایی بشدت شهرت‌زده خو گرفته‌ایم، تشنه گفتن و شنیدن از او ساخته اگرنه همانطور که اطرافیانش بارها نقل کرده‌اند و از رسانه‌گریزی خودش سراغ داریم، این سردار فراملی همیشه از شهرت بیزاری جسته است. او بارها وصف رزمندگانی را کرده که از مورد تقدیر قرار گرفتن به‌خاطر رشادت‌هایشان آزرده‌خاطر شده‌اند. دکتر سعدالله زارعی می‌نویسد: «او پدیده‌ای رشد یافته در بطن و متن انقلاب اسلامی است و یکی از خیل پرورش‌یافتگان در مکتب مرام و سیره سیدروح‌الله خمینی و سیدعلی خامنه‌ای که البته به اندازه تلاش مستمر خالصانه‌اش و به برکت عنایات الهی «جلوه‌ای خاص» پیدا کرده». اما این مطبوعاتی قدیمی و همرزم سپاهی حاج‌قاسم هم گواهی می‌دهد سوژه‌اش هیچگاه در دام او و هیچ خبرنگار دیگری نیفتاده است و کسی هنوز موفق نشده نخستین مصاحبه را از فرمانده بگیرد.

سردار ما تا همین اواخر چنان در سایه حرکت می‌کرد که ماهنامه ادبی آمریکایی «نیویورکر» لقب «فرمانده سایه» را به او داد. مطبوعات ترکیه هم به او لقب «جعبه سیاه ایران» را داده بودند. در همان حال نزدیکان و دوستداران فرمانده می‌هراسیدند که مبادا توطئه‌ای تبلیغاتی در پس پیچ و خم و آب و تاب گزارش رسانه‌های آمریکایی، انگلیسی و سعودی در کمین او باشد و اتفاقا بود و هنوز هم هست. قاسم سلیمانی از سال ۲۰۰۷ توسط شورای امنیت سازمان ملل تحریم شده است. آمریکایی‌ها که از حضور نامحدود و تمام‌نشدنی‌اش در هر لحظه و هرکجا به ستوه آمده بودند علنا طرح ترورش را ریختند و جک کین، فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش آمریکا در نشست استماع کنگره آمریکا گفت: «چرا ترورش نکنیم؟»

آنها همیشه از قدرت و نفوذ «فرمانده سایه» در میان دولت‌ها و ملت‌ها از چین تا یمن و از آفریقا تا آمریکای لاتین آگاه بودند. آن‌طور که مشاور فرمانده کل سپاه، دکتر مقدم‌فر گفته است چون نمی‌توانستند مهارش کنند تلاش کردند نام «ژنرال سلیمانی» را رسانه‌ای کنند تا تخریبش کنند. به او لقب «نمسیس» - الهه خشم و انتقام - دادند، خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی توصیفش کردند و همه فنون تبلیغاتی را به کار بستند تا تصویری شبیه بن لادن از مردی بسازند که زمانی برای حذف تروریست القاعده‌ای دست‌پرورده خودشان در افغانستان دست به دامانش شده بودند. این حقیقتی است که مافیای مخوف جهود که سررشته همه امور را در جهان غرب در دست دارد، قهرمانان و اسطوره‌های حقیقی را حتی از نوع آمریکایی و اروپایی‌اش برنمی‌تابد و سدی در برابر سلطه خناسانه خود می‌داند. سوپرمن و بتمن و راکی و رمبو و هزاران قهرمان خیالی مجازی، کاغذی و سلولوئیدی برای این پرورده شده‌اند که مردم قرن بیست و یکم جای خالی قهرمانان حقیقی را حس نکنند. بی‌دلیل نیست که مجله آمریکایی وایرد او را خطرناک‌ترین فرد جهان معرفی کرده و می‌نویسد: «اگر بخواهیم به دنبال خطرناک‌ترین کشور سیاره زمین بگردیم، به نام ایران برخورد می‌کنیم که ممکن است جرقه جنگ جهانی را بزند و اگر بخواهیم در این کشور مرموزترین و خطرناک‌ترین فرد را نامگذاری کنیم، به نام ژنرال قاسم سلیمانی خواهیم رسید که چهره‌ای مرموز دارد». با این حال اگر حربه غرب برای شکستن و تحریف اسطوره قاسم سلیمانی به منظور دامن زدن به ایران‌هراسی نبود، ما هنوز چیز زیادی از بزرگمردمان نمی‌دانستیم. امروز قطعا اربابان رسانه در غرب خودشان را به‌خاطر از سایه بیرون آوردن دشمن بزرگشان نمی‌بخشند. آنها براستی یک قهرمان را از گمنامی خودخواسته‌اش بیرون کشیدند تا امروز به قهرمانی بدون مرز در برابر مزدوران داعشی‌شان بدل شود. البته فرمانده دلاور لشکر ۴۱ ثارالله کرمان، قهرمان عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵ سد بزرگ در برابر سیل قاچاق مخدر از شرق ایران و برهم‌زننده راهبردهای قرن جدید نومحافظه‌کاران و صهیونیست‌ها در جهان اسلام همیشه در میدان بود ولی خاموش و سر به زیر. رهبرش دست‌کم ۴ بار او را شهید زنده‌ای خوانده که بارها در دفاع ۸ساله از کشور تا آستانه شهادت رفته ولی مقدر شده تا ذخیره‌ای باشد برای روزهای مبادا، مثل امروز.

■ چشم‌هایش

اگر بخواهی از ناگفته‌های بزرگ این سردار فاتح بیشتر بدانی باید در ابتدا مرئی‌ترین موهبت مقدر شده برای او را ببینی. مهر ماه ۱۳۶۴ در ارتفاعات میمک بالای سر خویشاوند تازه شهیدشده‌اش احمد سلیمانی رسید که جانشین و معاون اطلاعات و عملیات خودش در لشکر ۴۱ ثارالله بود. بعدها درباره آن لحظه نوشت: «دست تقدیر این بود من که از دوران کودکی با احمد بودم، زمان شهادتش هم بالای سرش حاضر شوم. چهره او را که پس از شهادت دیدم، نصف صورتش را خون پوشانده بود و نصف دیگر صورتش مثل مهتاب می‌درخشید و حقیقتاً آرامش خاصی در چهره او پیدا بود که باعث شد دیدن این صحنه جزو دیدنی‌ترین صحنه‌های عمرم در دوران دفاع مقدس باشد».

توصیف او از چهره برادر شهیدش ما را به یاد خیل خاطرات آخرین وداع‌ها با شهدای دفاع‌مقدس می‌اندازد و البته به یاد خاطرات کسانی که روی ماه قاسم سلیمانی را دیده‌اند. این چندان عجیب نخواهد بود اگر توصیف لغتنامه دهخدا را از سیمای اهالی «رابُر» - منطقه کوهستانی زادگاه قاسم سلیمانی در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان - خوانده باشید: «مردم آنجا به صباحت (زیبایی) منظر شهره و از متاع حسن و ملاحت بابهره‌اند».

گویی این یکی دیگر از هدیه‌های الهی به خانواده سلیمانی است. آنهایی هم که حاج‌قاسم را از نزدیک دیده‌اند می‌گویند صورتش مثل مهتاب می‌درخشد. درخشان‌تر از آن اما چشم‌هایش است. چشم‌هایی که آینه تمام‌نمای شخصیت درخشانش هستند. این چشمان شفاف که نگاهی ناقد، عبوس ولی به طرز شگفت‌انگیزی عطوف را بر اطرافیان مستولی می‌کند توسط برخی فرماندهان نیروی قدس به «خشم مقدس» حاج‌قاسم تعبیر شده است و کمتر کسی تاب تحمل نگاه مستقیم او را دارد. شاید خودش هم این را می‌داند چون بیشتر اوقات سرش به زیر است. وقتی هم که سر بالا می‌کند گویی این چشم‌ها که عمق نگاهشان به ازل می‌رسد به نقطه‌ای در ابد خیره شده‌اند و جایی را فراتر از افق دید ما می‌بینند. چنین نگاهی حتی از ورای تصاویر ریزش کرده سایت‌ها و نشریات از او - که مصداق همان گفته شدن ناگفتنی‌ها هستند - قدرت روحی صاحبش را از قاب تصویر بیرون می‌ریزد و سیمای اسطوره ما جهانی می‌شود.

■ اسطوره مقدر ما

انسان‌های صالحی مثل او حتی فراتر از اسطوره‌ای که با اراده و اعمال‌شان در جهان ما به یادگار می‌گذارند، از تولد تا مرگ مقدر شده‌اند.

اتفاقا یکی از ناگفته‌های مقدر درباره او همین است که ظرف کمتر از ۴ سال از شروع جنگ روانی غرب در سال ۲۰۱۱ - با نخستین گزارش‌های جهت‌دار و سیاه‌نمایی روزنامه‌های آمریکایی درباره «یک ژنرال مرموز ایرانی» - مکر دشمن به خودش بازگشته و قاسم سلیمانی از فرمانده نامرئی نیروی قدس سپاه پاسداران تبدیل به سلطان بدون مرز قلب‌ها شده است.

سایت آمریکایی المانیتور در این باره می‌نویسد: «قاسم سلیمانی در ماه‌های اخیر از یک مرد مرموز و پشت پرده به فردی تبدیل شده که پس از هر پیروزی عراقی‌ها در جنگ با داعش تصاویر وی نیز منتشر می‌شود و وی دیگر یک مرد در سایه نیست. در این تصاویر با یک لباس نظامی ساده و بدون هیچ‌گونه سلاحی میان مبارزان عراقی دیده می‌شود و با لبخند آرامی که دارد، در نهایت آرامش به سر می‌برد». او این بار عامدانه و آگاهانه تاکتیک سایه‌وارش را عوض کرده است چون می‌داند اوج‌گیری فتنه تکفیری همراه با برجسته‌سازی سرکرده‌ها و جنایت‌ها و ترورهای آنها توسط غرب، در چارچوب پروژه هراس‌افکنی در دل مسلمانان و همچنین تخریب اسلام حقیقی است. به همین خاطر سردار بزرگ اسلام از گمنامی مورد علاقه‌اش بیرون زده و خود را به خطر می‌اندازد تا با لبخندی دلنشین و اطمینان‌بخش بدون اسلحه، محافظ و جلیقه ضدگلوله و کلاه آهنی حضور خود در خط مقدم میدان جنگ با کفر اسلام‌نما را اعلام کند و به مردم وحشت‌زده غرب و شرق دلگرمی بدهد. به قول تحلیلگر المانیتور، انتشار تصاویر فرمانده همیشه آرام و متبسم فرمانده سپاه قدس، پیام آشکار ملت ایران برای مردم منطقه و جهان است که این تنها آغوش مطمئنی است که می‌شود اعتماد و پیروزی را از آن انتظار داشت؛ آغوشی که نه در منطقه و نه در تمام جهان نظیر آن وجود ندارد اما در حقیقت این پیام اسلام راستین نیز هست. می‌توان از همین حالا اهتزاز پرچم «الله‌اکبر» عراق و بیرق «یاحسین» سپاه بدر و گردان‌های حزب‌الله را بر فراز موصل هم مشاهده کرد. در سوریه هم به لطف حمایت ۴ساله «فرمانده سایه» تازه آفتابی شده، ورق کاملا علیه تکفیری‌ها و تروریست‌ها برگشته به طوری که رجب اوغلی عثمانی وارو سوار مرکب جنگ شده و در حمایت از داعش منفور روز روشن به شام لشکر می‌کشد. همزمان سعودی‌ها و هاشمی‌های عربستان و اردن هم با سیاست خارجی مالیخولیایی‌شان زمینگیر شده‌اند و معلوم نیست داعش را تهدید می‌دانند یا متحد؟

در همین حال فاتح صلاح‌الدین همچنان که از فتح آمرلی و نصر «جرف‌النصر» به آزادی تکریت نزدیک می‌شود با اقبال باورنکردنی از سوی عرب، عجم، کرد و ترک با هر مذهب و مسلکی مواجه شده است.

آمریکا، اسرائیل و سعودی و حرامیان دست‌پرورده داعشی‌شان که جای خود دارند، انگار خود دولت جمهوری اسلامی هم از این فتح بی‌سابقه قلب‌ها غافلگیر شده است تا جایی که مشاور رئیس‌جمهور، قاسم سلیمانی را صرفا نماینده ایران می‌خواند در حالی که رئیس شورای امنیت ملی ایران او را چهره‌ای فرامرزی می‌داند؛ دعوا نکنید آقایان او مالک اشتر دیگر جهان اسلام است.

■ مُلک‌سلیمانی

مقدرات ناگفتنی اسطوره ما بسیار است. مثلا چه تقدیری بود که درست ۵۹ سال پیش (۲۰ اسفند ۱۳۳۵) در روستای قنات ملک از توابع «رابر» کرمان، خدا پسری به یک دهقان فقیر و ستمدیده از شاه پهلوی عطا کرد که هم با کنیه سلیمانی‌اش و هم به‌واسطه مبارزه تمام عیارش علیه منافع صهیونیست‌ها در فلسطین و پیرامون آن، مدعیان دروغین احیای تاج و تخت حضرت سلیمان(ع) را به چالش کشید. هنوز پیام فرمانده سپاه قدس را به مردم غزه در زیر باران آتش اسرائیل فراموش نکرده‌ایم که بر مقاومت تأکید کرد: «تا جایی که آسمان و زمین را برای صهیونیست‌ها به جهنم تبدیل کنیم».

اظهار عجز قصاب غزه، بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا را نیز همه شنیده‌ایم وقتی که درباره ایران هشدار می‌داد.

تحلیلگر روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز او را «مامور اساطیری ایران» می‌خواند و می‌نویسد: «برخی به ژنرال قاسم سلیمانی لقب «سوپرمن» داده‌اند که ماموریتش خنثی کردن مداوم اهداف واشنگتن و متحدان آن ضمن تقویت شکوه انقلابی جمهوری اسلامی ایران است. صرفنظر از اینکه ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در کجا ظاهر شود و چه تصاویری از او چه در کنار رهبران ارشد ایران و چه در میان جنگجویان مردمی منتشر شود، وی همچنان کابوسی برای سیاستگذاران آمریکایی است. یک چهره مبهم اما ظاهرا همه جا حاضر. با توجه به حضور وسیع و گاهی اسطوره‌ای‌اش و گزارش‌های بی‌وقفه مطبوعات بین‌المللی، می‌توان گفت وی به‌طور همزمان در چند میدان جنگ حضور دارد».

صالح المطلک (از عناصر بعثی و مستخدم سازمان سیا که با استخبارات سعودی نیز همکاری می‌کند) نوشت: «سلیمانی قدرتش را مستقیماً از آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای می‌گیرد. تمام مقامات مهم عراقی، سلیمانی را به شکل یک فرشته می‌بینند و با او رایزنی دارند». روزنامه گاردین در این باره می‌نویسد: «حتی کسانی که سلیمانی را دوست ندارند، او را فردی باهوش می‌دانند. بسیاری از مقامات آمریکا که این چند ساله را صرف متوقف کردن سلیمانی کرده‌اند می‌گویند مایل هستند او را ببینند و معتقدند مبهوت کارهای او شده‌اند».

آیا براستی در روزگار ما قهرمان حقیقی صهیون تا فرات، مردی نیست که به مبارزه جانیان تکفیری دوره دیده در موساد و خود کودک‌کش‌های اسرائیلی رفته، برای امنیت بسیاری از مردم تحت اشغال، آواره و در معرض حملات تروریستی و صهیونیستی در این پهنه جغرافیایی می‌جنگد و بر قلب‌های ایشان حکومت می‌کند؟ سرداری که سیاستمداران و ژنرال‌های آمریکایی علنا درماندگی خود را به زبان می‌آورند که راه حضور همزمان ژنرال سلیمانی در چند نقطه چیست؛ آیا او سوار بر فرش سلیمان است؟

صد البته حاج‌قاسم ما وارث مُلک همه شهدای اسلام و ایران است. مُلکی که حدود و ثغور مرزهایش با خون سرخ ستارخان، میرزاکوچک‌خان، چمران، همت، جهان‌آرا و مغنیه مشخص شده است. او وارث آمال و آرزوهای شهدایی است که می‌خواندند «راه قدس از کربلا» می‌گذرد. این آدرس مُلک شهداست. حاج‌قاسم امروز در حال دفاع از کربلاست و فقط خدا می‌داند فردا کجای مُلک‌سلیمانی خواهد بود.

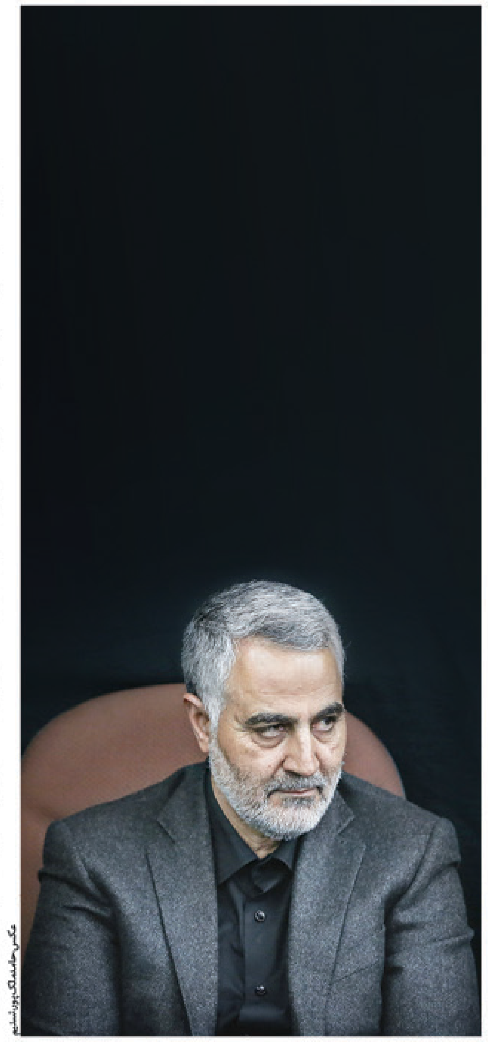

عکس: حامد ملک‌پورشبستری

چرا «ژنرال» مرد سال ۹۳ است؟

سرداری شهادت‌طلب که مایه عزت هر ایرانی است

محمد ایرانی: جهانیان در صحنه نبرد با تروریست‌های داعش در عراق نام مردی را بیش از همه می‌شنوند، مردی که ولایتمداری و عشق و علاقه‌اش به حضرت امام خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی زبانزد خاص و عام است. مردی که بسیاری از معادلات در عراق و سوریه با تفکر و راهبردهای وی رقم خورده است: سردار سرلشکر قاسم سلیمانی یا به قول رسانه‌های جهان «ژنرال سلیمانی». مردی به جای مانده از ۸ سال دفاع‌مقدس و نمونه‌ای از صدها قهرمانی که جان خویش را برای دفاع از سرزمین‌های مقدس اسلامی به کف گرفتند و تاریخ در برابر غیرت و رشادت‌های آنان کمتر نمونه‌ای دیده است.

رسانه‌های غرب به او لقب «مردی در سایه» داده‌اند و او را «قهرمان ملی ایرانیان» می‌دادند و با اندک گشت و گذاری در اخبار رسانه‌ها، این سردار دلیر سرافراز ارتش اسلام را ژنرالی می‌دانند که در صحنه نبرد عراق، صحنه‌گردان است و مبارزان شیعه و کرد، شیفته شخصیت و متانت و خاکی بودن وی در کنار ویژگی‌های مدیریتی‌اش هستند که چگونه با تدابیر جنگی منحصر به فردش، سران و فرماندهان خبیث، خشک‌مغز و سفاک گروهک تروریستی داعش را یکی پس از دیگری از صحنه حذف می‌کند و نام وی رعشه بر اندام آنها انداخته است.

بسیاری از تحلیلگران، سرلشکر سلیمانی را مبارزی می‌دانند که خواب را از دشمنان «ایران اسلامی» ربوده و امنیت و آرامشی که امروز در مرزهای جمهوری اسلامی ایران شاهد هستیم، مدیون مجاهدت‌ها و تلاش‌های این دلاورمرد کرمانی است.

به جرات می‌توان گفت سردار سلیمانی بیش از آنکه در داخل شناخته شده باشد، در خارج از مرزهای ایران بویژه در عراق و سوریه شناخته شده و اکنون کمتر دولتمرد یا نظامی‌ای را در پایتخت‌های آمریکا و اروپا می‌توان نام برد که نام «قاسم سلیمانی» را نشنیده باشد، چرا که این فرمانده ۵۷ ساله و نیروهای تحت امرش با تاکتیک‌ها و استراتژی‌های نظامی مثال‌زدنی و شگفت‌انگیز که ناشی از ایمان الهی و هدایت‌های او است، در به زانو آوردن گروهک داعش از چنان موقعیت‌هایی برخوردار شده‌اند که در اتاق‌های جنگ آمریکایی و اروپایی همواره نام قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده‌ای که با شناخت دقیق از اوضاع منطقه، توانسته مانع پیشروی تروریست‌های داعش در مناطق مختلف عراق و سوریه شود، شناخته می‌شود و جالب آنکه این سردار رشید اسلام از چنان ارتباطات صمیمی و تنگاتنگی با قبایل عراقی برخوردار است که مبارزان شیعی و کرد را به پیروزی‌های متعددی در تکریت، آمرلی و دیگر مناطق هدایت کرده است.

اگرچه رسانه‌های غربی در موارد متعددی تلاش کرده‌اند به‌انحای مختلف چهره‌ای مخدوش از سرلشکر سلیمانی به تصویر کشند اما تمام آنها به این واقعیت اذعان دارند که آمریکا با همه امکانات و تجهیزات پیشرفته نظامی نیز نتوانسته است در زمینگیر کردن گروهک تا دندان مسلح داعش که به مدرن‌ترین ادوات نظامی مجهز است، به موفقیت دست یابد اما ژنرال سلیمانی با تاکتیک‌هایش از موفقیت‌های بسیاری در صحنه نبرد در عراق برخوردار شده و همین رسانه‌ها تاکید دارند سردار از احترام بالایی در میان اردوگاه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب داخل ایران برخوردار است که وی را یک استراتژیست نظامی تاثیرگذار می‌دانند.

روزنامه انگلیسی «فایننشال تایمز» در توصیف سردار می‌نویسد: «ژنرال سلیمانی به دلیل وفاداری‌اش به آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عالی ایران شناخته شده است و مسوول اجرای سیاست‌های وی برای ارتقای ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و دور کردن بسیاری از تنش‌ها در خاورمیانه از طریق مقابله با رقبا در دیگر کشورها از جمله لبنان، سوریه، عراق و افغانستان است».

سردار سلیمانی را باید نماد ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی دانست که دستاوردهای بزرگی نیز به دست آورده است و فرمانده‌ای است که با تضعیف اقتدار و دست برتر آمریکا در عراق و افغانستان، باعث کاهش نفوذ ایالات متحده در منطقه شده است.

فایننشال تایمز در گزارشی سردار سلیمانی را فردی کلیدی در حمایت از حزب‌الله لبنان در جنگ علیه رژیم صهیونیستی و کمک به باقی ماندن بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه در قدرت می‌داند.

سرلشکر سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس از توانایی‌های گسترده‌ای در اجرای سیاست‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای ایران برخوردار است و به عنوان سربازی که مورد وثوق و عنایت رهبر بزرگوار انقلاب است، در همه ماموریت‌ها و مسوولیت‌هایی که در چارچوب منافع ملی و صیانت از جمهوری اسلامی ایران به وی واگذار شده، با سربلندی بیرون آمده است و همه این موقعیت‌ها و پیروزی‌ها را باید ناشی از اخلاص و ولایتمداری او دانست که با وجودی که یکی از عالیرتبه‌ترین فرماندهان نظامی ایران است، «بسیجی‌وار» در خطوط مقدم در کنار دیگر رزمندگان آن هم در خاک کشور همسایه برای اهداف متعالی مبارزه می‌کند و لرزه بر اندام تمام دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اسلام عزیز انداخته است.

کافی است به عکس‌هایی که از سردار سلیمانی در مناطق مختلف عراق گرفته شده است، نگاهی انداخت تا فهمید افتادگی و متانت در چهره دوست‌داشتنی و صمیمی وی موج می‌زند اما در پس این چهره صمیمی، مردی استوار با اراده‌ای آهنین نهفته است که خواب خوش را بر صهیونیست‌ها، تکفیری‌ها و هر حرامی دیگری، حرام کرده و آمریکایی‌ها وی را کابوس و دلیل اصلی شکست‌های خود در منطقه می‌دانند.

او مردی است از جنس مردم نه همچون ژنرال‌های آمریکایی که در اتاق‌های امن و دور از تهدید در هزاران کیلومتر آن‌سوتر برای منطقه نسخه می‌پیچند و هنوز آفتاب سوزان عراق را بر چهره خود لمس نکرده‌اند.

او با شیعیان عراق چفیه به سر می‌شود و با کردهای عراق، شلوار کردی می‌پوشد. مردی است یکرنگ از جنس همرزمان شهیدش که روزگاری نه خیلی دور، جان خود را بر کف گرفته و برای بیرون راندن صدام و صدامیان، سلاح به دست گرفتند تا امروز من و تو در آرامش و امنیت زندگی کنیم. مردانی از جنس سلیمانی رفاه و زندگی آسوده را از خود و خانواده خود محروم کردند تا ایران و ایرانی سرافراز بر تارک دنیا بدرخشد و اگر امروز جمهوری اسلامی ایران در آرامش و امنیت در منطقه‌ای ناامن به‌سر می‌برد که گرگان و درندگان چشم طمع به آن دارند، همگی مرهون عظمت و جانفشانی‌های سردارانی چون قاسم سلیمانی است. سربازی بی‌ادعا و «مرید رهبر» که هدایتگر کشتی انقلاب با حضورش آسوده‌خیال بوده و می‌داند ملت حق‌شناس ایران قدردان زحمات و تلاش‌های او است. سلیمانی نه فقط چهره سال که بر جلد نشریات داخلی و خارجی نقش بسته بلکه چهره‌ای است که در قلب هر ایرانی، عراقی، سوری و هرآنکه دلش به عشق اسلام می‌تپد، جایی محکم گرفته است.

هموطن! باید برای احترام به سردار سلیمانی بلند شد و بر شرفش درود فرستاد که آرامش و امنیت‌مان را مدیون او هستیم. سردار درود... سردار سپاس...!

ناصرِ حسین
فائضه غفار حدادی
روایت پیشگامان پیشرفت موشکی ایران (۱)

جنگ که تمام می‌شود خدا نردبان شهادت را هم می‌کشد سمت آسمان. آنقدر بالا که دست هرکسی به آن نرسد. بالا رفتن آنقدر سخت می‌شود که مردم نردبان را فراموش می‌کنند و مشغول زمین می‌شوند. کم‌کم کوتاهی مُد روز می‌شود و بلندی عیب بزرگ. در این زمانه است که شهادت می‌شود هنر مردان بزرگ. مردانی که آنقدر بلند، بلند، بلند شده‌اند که آسمان دنیا برایشان کوتاه شده است. دستشان را به نردبان گرفته‌اند و از میان ما رفته‌اند...

قیمت کتاب: ۳۷۰۰ تومان | نشانی مرکز پخش: تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، نبش کوچه شهید طاهری، پلاک ۶۲، واحد ۶ | تلفن: ۸۸۹۹۶۴۳۲ | نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۱ | خرید اینترنتی و پستی: www.tapbook.ir

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع)

فراخوان سیزدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا (علیه‌السلام)

به مناسبت دهه‌ی کرامت، میلاد مسعود حضرت امام رضا (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها) و بزرگداشت حضرت احمدبن‌موسی (شاه‌چراغ) (علیه‌السلام)
۲۵ مرداد تا ۴ شهریورماه ۱۳۹۴ در ۳۱ استان کشور و ۷۵ کشور جهان

المهرجان الدولی الثالث عشر للامام الرضا (علیه‌السلام)
لمناسبة عشرة الکرامة و ولادة الامام الرضا (علیه‌السلام) و السیدة المعصومة (علیهاالسلام) و تکریم مقام احمد بن موسی (شاه چراغ) (علیه‌السلام)
۱ الی ۱۱ ذی‌القعده ۱۴۳۶ فی ۳۱ محافظة فی ایران و ۷۵ بلدا فی العالم

The 13th Imam Reza (P.B.U.H) International Festival
Held on the occasion of the Ten Days of Generosity, marking the blissful birthday anniversary of Imam Reza (P.B.U.H) and that of Hazrat Masumeh (P.B.U.H) and commemoration of Hazrat Ahmad Ibn Musa (Shah-e Cheragh) (P.B.U.H)
August 18-28, 2015, in 31 provinces in Iran and 75 countries abroad

سالنامه العبد ۱۳۹۴
سال هزار و سیصد و نود و چهار

مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی بهجت

از آنجا که کتاب‌ها و محصولات متنوعی بدون تأیید این مرکز و بیت معظم‌له در بازار انتشار یافته‌اند و سبب ترویج مطالب خلاف واقع و شایعاتی درباره‌ی زندگی، رفتار و بیانات حضرت آیت‌الله العظمی بهجت(ره) شده‌اند، علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت این مرکز از مطالب، اخبار و کتب مورد تأیید مطلع شوند و با مراجعه به فروشگاه سایت، محصولات درخواستی خود را به صورت پستی دریافت نمایند.

پایگاه اینترنتی و ایمیل:
www.bahjat.ir ☐ info@bahjat.ir
تلفکس: ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۷۱ - همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۱۲۷۵

رسانه‌های آمریکا
راهبردها و کارکردها

قیمت کتاب: ۴۵۰۰ تومان | نشانی مرکز پخش: تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، نبش کوچه شهید طاهری، پلاک ۶۲، واحد ۶ | تلفن: ۸۸۹۹۶۴۳۲ | نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۱ | خرید اینترنتی و پستی: www.tapbook.ir